این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس

خود را از دست ندهیم!

علامه جعفری(ره):
اگر نفس یا خود طبیعی را که کار دیگری جز غلتیدن در شهوات و متورم کردن خود با خیالات ندارد، رها کنیم، نه تنها «خود» از دست ما می‌رود و دیگر تسلطی بر او نخواهیم داشت، بلکه خود ما را هم با زنجیر بسیار محکمی که دارد، به دنبال خود می‌کشد و «می‌برد آنجا که خاطرخواه اوست». آنچه خود طبیعی یا نفس اماره می‌خواهد، همان است که نخست همه سرمایه وجود آدمی را می‌سوزاند، سپس موجودیت خود را نیز مانند یک قطعه هیزم در آن آتش می‌اندازد و تا انسان به خود بیاید، خاکستر سرمایه و خرمن هستی‌اش به باد فنا رفته است. ... اگر انسان محاسبه درست و دقیقی درباره اوقات گرانبهای عمرش به عمل بیاورد، خواهد دید که زمان اندکی به فکر «سپس چه؟»، «پس چه باید کرد؟» و «بس است؛ پس از این باید به فکر سرمایه زندگی‌ام باشم»، مشغول می‌شود که اگر مستی و ناهشیاری او تا آخرین نفس ادامه پیدا نکند، این زمان اندک، همان سالیان آخر عمر است که علایق و ارتباطات نفسانی وی با لذایذ و خوشی‌های دنیا به طور اجباری منتفی شده است؛ یعنی چنگال‌ها و دندان‌های او را گذشت سالیان عمر کُند کرده و از کار انداخته است.
منبع: کانال علامه جعفری به استناد ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه. ج ۶، ص ۵۶.

شیطان هم عیب‌جوی آبرو بر را نمی‌پذیرد!

سیدحمید حسینی در کانال تلگرامی خود حدیثی از امام صادق(ع) را به اشتراک گذاشت. در این حدیث می‌خوانیم: «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَه يريدُ بِها شَيْنَهُ وَ هَدْمَ مُرُوءَتِه ليسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَه الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ» (کافی، ج ۲، ص ۳۵۸) هر کس علیه مؤمنی سخنی بگوید و قصدش عیب‌جویی از او و ریختن آبرویش باشد و بخواهد او را از چشم مردم بیندازد، خداوند او را از ولایت خود خارج می‌کند و تحت سرپرستی شیطان قرار می‌دهد؛ ولی شیطان هم او را نمی‌پذیرد!
پی‌نوشت: حتی اگر احساس تکلیف کنند...

«نادیده گرفتن» آغاز از دست دادن است

سیدمصطفی موسوی در کانال تلگرامی خود نوشت: وقتی احساس می‌کنیم که چیزی در ما وجود دارد که دیده نمی‌شود، یا چیزی شبیه این، شروع می‌کنیم به بهانه‌جویی! بعد شروع می‌کنیم به خطرناک‌ترین کارِ جهان، نادیده گرفتن دیگران و این شبیه خودکشی است. اگر مراقب نباشیم همه چیز نابود می‌شود! شاید بشود مسیر را تغییر داد. راه‌حل دیده شدن، ندیدن نیست. باور کنید، نادیده گرفتن آغاز از دست دادن است.

فارین‌پالسی: زمان توقف حمایت بی‌قید و شرط امریکا از اسرائیل فرا رسیده است

کانال تلگرامی «پایش امریکا» خبر داد: نشریه امریکایی فارین پالسی نوشته جنایات اخیر صهیونیست‌ها در غزه نشان داد زمان آن رسیده که ایالات متحده به کلیشه‌های قدیمی «حق اسرائیل برای دفاع از خود» پایان دهد و حمایت بی‌قید و شرط از این رژیم را متوقف کند.

فضا هم به اینترنت 4K تجهیز شد

کانال تلگرامی «تک‌توب؛ تازه‌های فناوری» خبر داد: ناسا قرار است در مورد مأموریت Artemis ۲، برای انتقال اطلاعات از ارتباط لیزری استفاده کنه که فضانوردان ناسا در نزدیکی ماه به وسیله اون می‌تونن با کیفیت ۴K پخش زنده داشته باشن! مأموریت Artemis۲ بخشی از برنامه Artemis ناسا برای بازگشت دوباره به ماه است که در مأموریت دوم که قرار است در سال ۲۰۲۳ انجام بشه، فضانوردان در سفری به دور ماه گردش می‌کنن و بعد از ۱۰ روز به زمین برمی‌گردن. ناسا گفته ارتباط لیزری نسبت به ارتباط رادیویی در مأموریت‌های گذشته، می‌تونه سرعتی ۱۰ تا ۱۰۰ برابری داشته باشه و این امکان رو میده تا فضانوردان و فضاپیماها اطلاعات بسیار بیشتری رو با کیفیت بالاتر به زمین مخابره کنن و سرعت اکتشافات فضایی افزایش کنه. تجهیزات ارتباط لیزری فضای کمتری رو اشغال می‌کنن، وزن کمتری دارن و مصرف انرژی اون‌ها هم کمتر است.

واکنش‌های کاربران شبکه‌های اجتماعی به دومین مناظره انتخاباتی ۱۴۰۰

فرهنگ و هنر مظلوم همیشگی مناظره‌ها!

مناظره دوم نامزدهای سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری روز سه‌شنبه برگزار شد. کاندیداها هرچند بهتر از مناظره اول ظاهر شدند و تلاش کردند به سؤالات جواب بدهند اما باز هم در موارد بسیاری از سؤال خارج شدند. کاربران شبکه‌های اجتماعی در واکنش به مناظره و حواشی آن، این ایراد را ناشی از ساختار برگزاری مناظرات دانستند و تأکید کردند که ساختار مناظره سوم باید تغییر کند. کاربران همچنین از عدم پرداخت به مسائل فرهنگی آن هم در مناظره‌ای که به نام فرهنگی برگزار شد، گلایه کردند و از مظلومیت فرهنگ نوشتند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را بخوانید.

سیدمحمود رضوی:
در مناظره دوم که موضوع آن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود، از هیچ کدام از کاندیداهای محترم، برنامه دقیق ایجابی برای فرهنگ نشنیدم. اشکال اساسی از نوع سؤالات تنظیم شده توسط صداوسیما و ساختار پر از ایراد مناظره بود. #مظلومیت_فرهنگ

عبدالله گنجی:
گرچه موضوع مناظره دوم از مناظره اول متفاوت بود (اجتماعی-فرهنگی) اما ماهیت پاسخ‌ها با مناظره اول تفاوتی نداشت. نگاه خوشبینانه این که کاندیداها می‌دانند مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز با اقتصاد گره خورده است. در عین حال می‌دانند این اقتصاد اجتماعی است که رأی‌ساز است نه اقتصاد کلان.

سیدعباس صالحی:
فرهنگ و هنر بخش مغفول مناظرات بود، حتی در دومین مناظره با عنوان فرهنگی و اجتماعی. ایران بدون فرهنگ و هنر ایران نیست! از کدام برنامه سخن می‌گوییم؟!

مهدی محموداقدم:
توصیه به برخی کاندیداهای محترم ریاست جمهوری اگه جایی و برای موضوعی مطلب کم آوردید می‌تونید بندازید گردن فرهنگ و بی‌فرهنگی مردم، حداقل در مورد فرهنگ هم حرفی زده باشید. #انتخابات_۱۴۰۰ #مظلومیت_فرهنگ

محسن مهدیان:
سؤال کلی چهار ضرر دارد: جواب‌ها کلی است و شعاری و جزئیات روشن نیست، تفاوت‌ها و اختلاف نامزدها روشن یا قابل برآورد نیست، نامزدها از پاسخ دادن طفره می‌روند و مخاطب هم احتمالاً کمتر خرده می‌گیرد، نیاز و مسئله مخاطب نیست و رأی جدید نه برای افراد می‌سازد و نه حتی صندوق.

محمد پاداش:
در مناظره اقتصادی، یک سؤال در خصوص بورس که دغدغه بسیاری از مردمه، از نامزدها پرسیده نشد. همچنین انتظار داشتند نامزدها سؤالات چهار خطی را در سه دقیقه پاسخ بدهند. سؤالات مناظره دوم به مراتب از سؤالات مناظره اول، چرندتر و بی‌خودتر بود.

مهدی محمدی:
پیام مناظره دوم این است: کارنامه دولت روحانی، ظرفیت دوقطبی‌سازی غربگرایان را نابود کرده است.

سیدسعید لواسانی:
هفت نامزد در یک مورد توافق داشتند؛ این شیوه مناظره نیست و مردم شناختی از برنامه‌ها و کارآیی نامزدها پیدا نمی‌کنند. لااقل مناظره بعدی را درست کنید. #انتخابات

میثم مطیعی:
این شیوه مناظره ناکارآمد است. برای احترام به مردم در مناظره سوم اصلاح کنید.

ما از اندیشیدن چه می‌فهمیم؟

رحیم محمدی در کانال تلگرامی خود بریده‌ای از کتاب در دست تألیفِ «دانشگاه جهان کبیر؛ از شرق‌شناسی تا دانشگاه ایرانی» را به اشتراک گذاشت. در این بخش می‌خوانیم: تفکر از عناصر پنج‌گانه تکوین دانشگاه است. اهل توجّه کم و بیش می‌دانند مدتی است در فارسی روزمرّه ما کلماتی مانند تفکر و اندیشه و مشتقّات آنها به‌وفور و به صورت بی‌پروا استفاده می‌شود و در رسانه‌ها و تعارفات و خطابه‌ها به شکل بی‌محابا و فریبنده تکرار می‌شود. مثلاً یک جمله کلیشه‌ای که در ستایش روشنفکران و نویسندگان و گویندگان به کار می‌رود این است که «فلانی متفکر است» و گاهی فراتر از این هم می‌روند و می‌گویند «فلانی از متفکران بزرگ است.» وقتی چنین سخنان بی‌حسابی در میان گویشگران فارسی رایج است، معلوم می‌شود خبری از محتوا نیست، بلکه صورت‌گرایی و مناسک‌گرایی بر گفتار و رفتار ما غالب شده است. از این رو امروزه با وجود چنین ادبیات عامه‌پسندی، به سختی می‌توان سخن از «تفکر» گفت که خوانندگان منظور نویسنده را به روشنی بفهمند و سخن او را در معنای اصلی‌اش درک کنند. بنابراین چاره‌ای نداریم جز آنکه آهسته آهسته این امور مزاحم و پراستعمال را کنار بزنیم تا شاید به معنا یا مفهوم مورد نظر خویش نزدیک شویم و سخن خود را از آنجا آغاز کنیم و معانی مورد نظر را تصویر کنیم.
کلمه اندیشه در فارسی میانه و قدیم که با «سِگالش» و «سِگالیدن» مترادف بود، حاملِ نوعی ترس و خوفناکی هم بود. چنانکه سعدی گفته است: ترک عمل بگفتم و ایمن شدم زِ عُزلت- بی‌چیز را نباشد اندیشه از حرامی. اما در دوره کنونی این معنا از کلمه اندیشه زدوده شده است و فارسی‌زبانان امروزی چنان دریافتی ندارند و واژه اندیشه و اندیشمند را بی‌محابا و متهورانه صرفاً به معنی فکر کردن به کار می‌برند. اما گویا حق با گذشتگان بود که نوعی خوفناکی در معنای این واژه احساس کرده بودند. گویا در نظر گذشتگان اندیشه به معنی برانداختن پرده‌های جهل و نابینایی بود و اندیشمند وقتی از ظاهر امور به باطن آنها حرکت می‌کرد و پرده‌ها را پاره می‌کرد و حقیقت و فرجام امور را مشاهده می‌کرد و به آینده نظر می‌کرد، خوف او را فرا می‌گرفت و می‌کوشید از ساحَت اندیشه خارج شود و به عقلِ روزمره و زندگی عادی بازگردد.
مسلماً این دریافت فارسی‌زبانان گذشته درست بود، گویا ساحَت اندیشه و تفکر همواره با ترس و اضطراب نیز همراه است و امروزیان که متهوّرانه خود و دیگران را اهل اندیشه و تفکر خطاب می‌کنند، چیزی از ماجراهای اندیشیدن نمی‌دانند و به ساحت آن راه نیافته‌اند و غافلانه دم از اندیشیدن و اندیشمندی می‌زنند.
در سنّت افلاطونی و نوافلاطونی هم تفکر و اندیشه نوعی شهودِ نظری بود که در اثر هم‌نشینی و هم‌سخنی عقلِ فیلسوف با جهان ایده‌ها و عالَم مُثُل ممکن می‌شد. این دریافت یونانی، فیلسوفان دوره اسلامی و قدمای ما را نیز متأثر ساخته بود و کسانی مانند فارابی و ابن‌سینا تفکر را نتیجه هم‌نشینی و هم‌سخنیِ عقلِ فیلسوف با «عقل فعّال» یا «عقل کلّ» که هر کدام شمّه‌ای از عقل الهی بودند، می‌دانستند. به عبارت دیگر عقل فیلسوف پس از تمرین‌ها و ریاضت‌های بسیار به عقل فعّال یا عقل کلّ نزدیک می‌شد و می‌توانست پیام‌ها و رَشَحاتی از آنجا دریافت کند. به عبارت دیگر تفکر کشفی بود که در روابط عقل الهی و انسانی اتفاق می‌افتاد و در این مناسبات بود که چیزهایی بر عقل انسانی مکشوف می‌شد و سپس در سخن و کلام فیلسوف به ظهور می‌رسید. اما این دریافت قدمایی از تفکر و اندیشه، نتوانست از آزمون مدرنیته سرفراز بیرون بیاید و به کلی به محاق رفت، جز آنکه امروزه در ایران و خاورمیانه به حربه‌ای برای تحقیر تجدد و ستیز با غرب تبدیل شده است و لفّاظان از آن برای مجادله استفاده می‌کنند. در واقع خصوصاً امانوئل کانت نشان داد که «عقل محض» و «خردنابِ انسانی» مستقل از عالم غیب و لاهوت است و او تفکر را چونان حرکتِ استعلایی خردنابِ انسانی توضیح داد و از آن پس سنت‌هایی نو در درک و توضیح عقل و تفکر آغاز شد.
حالا که بحث به اینجا رسید بهتر است این را هم تصریح کنم؛ ما امروزه اگر از استثنائات بگذریم هنوز در زندگی جدید خود، تجربه اندیشیدن و تفکر، نه در معنای قدیم و نه در معنای مدرن، نداشته‌ایم و خصوصاً با عقل مدرن هیچ اُلفت نگرفته‌ایم و امکان تفکر در حال خود و در چیستی و وضعیّت و مسئله‌های خود را اکتساب نکرده‌ایم و نتوانسته‌ایم سنّت تفکر مدرن خویش را بسازیم. در نتیجه ارتفاع اندیشیدن در جامعه ما از سقف شرق‌شناسی و منورالفکری و روشنفکری بالاتر نرفته است، از همین رو است که از دانشگاه ما در بهترین حالت کسی جز کارمند و کارشناس و روشنفکر و کنشگرِ سیاسی و روزنامه‌نگار بیرون نیامده است و دانشگاه ما هنوز نتوانسته «متفکرِ دانشگاهی» و «انسانِ دانشگاهی» بپرورد.

اخلاق رئیس‌جمهور مهمترین ضامن فردای او!

مهدی فضائلی توئیت کرد: نامزدی که برای پیروز شدن، از کارهای غیراخلاقی ابایی ندارد نشان می‌دهد در صورت پیروزی هم، برای حفظ قدرت اقدامات مشابه را تکرار و حتی بیشتر خواهد کرد.

طرح بهارانه کتاب آغاز شد

مصطفی وثوق کیا در توئیتی نوشت: وسط تبلیغات انتخاباتی‌تون بگم که طرح بهارانه کتاب هم از دیروز شروع شده و تا سقف ۲۰۰ هزار تومان به ازای هر کد ملی می‌تونید خرید کنید. ۲۰ درصد هم تخفیف داره.

نتانیاهو چرا و چگونه رفت؟

علیرضا تقوی‌نیا در کانال تلگرامی خود نوشت: بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر افسانه‌ای و راست‌گرای یهودی با ائتلافی که به جمع اضداد شبیه است برکنار شد. نفتالی بنت، گیدئون صعر و آویگدور لیبرمن راست‌گرای افراطی، یائیر لاپید و بنی گانتز میانه‌رو و هورویتز و میراف میخاییلی چپ‌گرا به همراه منصور عباس عرب تصمیم به برکناری نتانیاهو گرفتند. افراد فوق هر کدام نماینده طیفی از اسرائیلی‌ها هستند و اختلافاتشان کاملاً برجسته اما بر سر یک چیز اشتراک نظر داشتند؛ برکناری نتانیاهو. در واقع تنها عامل شکل‌گیری این ائتلاف دشمنی با رهبر حزب لیکود بود و لاغیر.
بنیامین نتانیاهو بدون شک سیاستمداری بی‌نظیر در تاریخ رژیم صهیونیستی است که توانست جایگاه خود را در هر شرایطی به‌عنوان نفر اول اجرایی نگه دارد. وی، مدت‌ها بود که پرونده فسادش توسط دستگاه قضایی رژیم صهیونیستی دنبال می‌شد و به همین علت همواره سعی در حفظ جایگاه نخست‌وزیری‌اش به هر قیمت داشت. موشه یعلون، یائیر لاپید، نفتالی بنت و گیدئون صعر کسانی بودند که به دلیل خودکامگی‌های نتانیاهو از لیکود جدا شدند اما باز هم کسی حریف بی‌بی نبود و اگر منصور عباس عرب به داد آنها نمی‌رسید و نازش را نمی‌کشیدند باز هم رژیم صهیونیستی شاهد بن‌بست و در انتظار برگزاری انتخابات مجدد می‌نشست. از نقش دموکرات‌ها و جو بایدن نیز نباید گذشت زیرا اسرائیلی‌ها به‌خوبی درک می‌کردند که بدون هماهنگی با امریکای میانه‌رو نخواهند توانست منافع‌شان را تعقیب نمایند و مانع اصلی این همگرایی شخص نتانیاهو بود. در نتیجه به اعتقاد کاتب این متن، عواملی همچون بحران کرونا، فساد نخست‌وزیر و همسرش، ناتوانی در تأمین امنیت شهروندان یهودی و کنترل دشمنان رژیم صهیونیستی در شمال و جنوب، قائل شدن امتیازات خاص برای حریدیم‌ها و ارتودوکس‌ها و شخصی کردن قدرت در لیکود باعث شد رقبای نتانیاهو مؤتلف شوند تا او را کنار بزنند. مهم‌ترین عامل خارجی نیز همان گونه که ذکر شد عدم هماهنگی رئیس‌جمهور دموکرات امریکا با رهبر حزب لیکود بود. ممکن است خوانندگان این وجیزه از عاقبت نخست‌وزیر برکنار شده نیز پرسش داشته باشند که باید گفت با توجه به سه اتهام رشوه‌خواری، سوءاستفاده شخصی از قدرت و اختلاس، احتمالاً زندانی شدن وی در آینده‌ای نه‌چندان دور اتفاق خواهد افتاد. همان گونه که راقم این سطور قبلاً نیز گفته بود ۱۴۰۰ سالی عجیب‌وغریب برای رژیم صهیونیستی است.

اعتراف اندیشکده صهیونیستی: اسرائیل بخشی از استراتژی ژنرال سلیمانی را به چشم دید!

کانال تلگرامی «دانش سیاست» به نقل از گزارشی از اندیشکده صهیونیستی «بگین» در خصوص جنگ اخیر غزه نوشت: طی دو هفته، اسرائیل نشانه‌هایی از دکترین ژنرال قاسم سلیمانی را به چشم خود دید. دکترینی که بر محاصره اسرائیل با حلقه‌ای از آتش استوار بوده و اسرائیل را در تمامی ابعاد از جمله از نظر جبهه داخلی در تنگنا و فشار قرار می‌دهد. باید اعتراف کرد اسرائیل و ارتش اسرائیل خود را برای ورود به یک جنگ جدید آماده کرده بود با این حال به اعتراف نهادهای اطلاعاتی ارتش اسرائیل، حماس در این دور از جنگ ما را به نحوی غافلگیر کرد. این غافلگیری در قالب اشکال و اهداف جدیدی به وقوع پیوست و نشان داد حماس (گروه‌های مقاومت فلسطینی) برای این جنگ چه برنامه و اهدافی در نظر گرفته بودند. رخدادهای جنگ ۱۲ روز با غزه و تحلیل عملکرد ارتش در مقابله با احتمال وقوع جنگ‌های چند طرفه از جمله وقوع درگیری و اغتشاش داخلی در بطن جامعه اسرائیل نشان می‌دهند که با وجود تمامی برتری عملیاتی ارتش اسرائیل، وقوع عقب‌نشینی‌ها (شکست‌های) مکرر برای ما خطری وجودی را ایجاد می‌کنند.

یارانه پنهانی که کارگران به کارفرمایان پرداخت می‌کنند!

چکیده‌ای از یادداشت سیدیاسر جبرائیلی را در خصوص یارانه پنهان بخوانید: از آنجایی که یارانه، تبدیل به یک موضوع اساسی در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری شده است، به نظر ضروری می‌رسد که از جوانب گوناگون به باطل بودن ادعای یارانه پنهان در اقتصاد ایران بپردازیم. مبنای استدلال مدعیان این است که قیمت دلاری یک‌سری کالاها به ویژه حامل‌های انرژی را استخراج می‌کنند، سپس معادل ریالی این قیمت‌ها را محاسبه می‌کنند و نام مابه‌التفاوت حاصل شده را یارانه پنهان می‌گذارند. سال ۹۸ در آستانه گران کردن بنزین، یک عضو هیئت رئیسه مجلس مجلدی تمام‌رنگی تهیه کرد تا وجود ۱۴۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان در اقتصاد ایران را اثبات کند. در صفحه ۳۳ این مجلد، قیمت دلاری بنزین (فوب خلیج فارس) درج شده و با احتساب هر دلار ۱۱ هزار تومان، ادعا شده بود که دولت سالانه ۱۶۹ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان بنزین پرداخت می‌کند. در آن سو، آقای روحانی اصلاح‌طلب نیز استدلال مشابهی داشت. می‌گفت قیمت بنزین در ترکیه ۱۵ هزار تومان و در اروپا ۲۰ هزار تومان است اما با قیمت هزار تومان به ملت می‌فروشیم!
همین استدلال، مبنای فاجعه آبان ۹۸ شد. در آن زمان، طی مطالب متعددی بطلان این استدلال را نشان دادیم و سخن اساسی ما این بود که دولت که مسئول حفظ ارزش پول ملی است، حق ندارد از یک طرف ارزش ریال داخل جیب مردم را کاهش دهد و از طرف دیگر، مدعی پرداخت یارانه پنهان به مردم شود و برای «هدفمند» کردن آن به نام «عدالت»، نقشه بکشد! متأسفانه این ایام، بحث یارانه پنهان مجدداً داغ شده است و مبنای اصلی محاسبه آن، همین تفاوت دلاری و ریالی قیمت حامل‌های انرژی است.
یک پرسش اساسی از مدعیان پرداخت یارانه پنهان این است که شما که می‌فرمایید در اروپا قیمت بنزین ۲۰ هزار تومان است، دستمزد نیروی کار چقدر است؟ آیا حاضر هستید دستمزد نیروی کار را نیز به دلار و یورو محاسبه کرده و معادل ریالی آن را بپردازید؟ میانگین دستمزد نیروی کار در اروپا برای هر ساعت ۲۸/۵ یورو است که با احتساب هر یورو ۲۸ هزار تومان، می‌شود حدود ۸۰۰ هزار تومان! با منطق نئولیبرال‌های وطنی، کارگران ایرانی که حداقل حقوقشان برای هر ساعت حدود ۲۰ هزار تومان است، ساعتی ۷۸۰ هزار تومان یارانه به کارفرمایان خود پرداخت می‌کنند! برای کارمندان دولت نیز می‌توان محاسبه مشابهی انجام داد و ادعاهای مشابهی مطرح کرد.
اما واقعیت این است که این نحوه محاسبه ارزش حامل‌های انرژی و نیروی کار، هر دو غلط است. ریال و دلار و یورو، در محدوده سرزمینی خود کارکردهای متفاوتی دارند و اساساً مفهوم PPP (برابری قدرت خرید) برای توضیح تفاوت کارکردی ارزهای مختلف در چارچوب مرزهایی که به آنها تعلق دارند، ابداع شده است. گران کردن سوخت به بهانه عادلانه کردن یارانه پنهان، توصیه نهادهای نئولیبرال همچون صندوق بین‌المللی پول است که در هر جای دنیا به این توصیه عمل شده، فاجعه آفریده است. قیمت حامل‌های انرژی را نمی‌توان از اقتصاد جدا کرد و در خلأ، مجزا از سایر کالاها و خدمات، گرانشان کرد و از ناحیه این گرانی، به بخشی از جمعیت پول نقد پرداخت کرد. گرانی حامل‌های انرژی، روی قیمت سایر کالاها نیز اثر مستقیم و غیرمستقیم می‌گذارد و تورم ایجاد می‌کند.

تصویر منتخب